

الله
الرحمن الرحيم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

**بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان
ظهيرالدين فاريابي**

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر فرنگیس پرویزی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محسن خلیجی اسکویی
سرکار خانم دکتر مینو فطوره‌چی

دانشجو

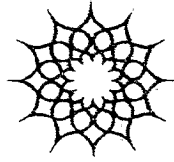
مجید خسروی

بهمن ماه ۱۳۸۷

۱۳۸۸ / ۳ / ۱۷

اداره اسناد و کتابخانه ملی
تهران

۱۲۵۷۷۸



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

هیأت داوران در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۴

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی « آقای مجید خسروی »

تحت عنوان

« بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان ظهیر فاریابی »

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، سرکار خانم دکتر پرویزی با مرتبه علمی استادیار

۲. استاد مشاور پایان نامه، جناب آقای دکتر خلیجی با مرتبه علمی استادیار

۳. استاد مشاور پایان نامه، سرکار خانم دکتر فطوره چی با مرتبه علمی استادیار

۴. استاد داور داخل گروه، جناب آقای دکتر رادفر با مرتبه علمی استاد

امضا

امضا

امضا

امضا

امضای رئیس پژوهشکده

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت

تحصیلات تکمیلی

رادفر

سجادی

سجادی

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات رویکردی میان رشته‌ای است که تأثیرات اجتماع بر ادبیات و نیز، ادبیات بر اجتماع را بصورت همزمانی و در زمانی مطالعه می‌کند. این تحقیق هم که به مطالعه تاریخی عناصر اجتماعی در دیوان ظهیرالدین فاریابی از شعرای قرن ششم می‌پردازد از سه بخش مجزا تشکیل شده است.

بخش اول در مورد جامعه‌شناسی ادبیات و تعاریف گوناگون در این رشته و سیر تاریخی آن می‌باشد و روش‌های تحقیق در این رشته را معرفی می‌کند.

بخش دوم در مورد زندگی این شاعر و اوضاع و احوال اجتماعی او و این که در کدام دربارها بوده است با توجه به منابع تاریخی نزدیک به زندگی شاعر و موجود به زندگی او اختصاص دارد و تا حد ممکن کوتاه است.

بخش سوم به گردآوری عناصر اجتماعی از دیوان این شاعر و دسته‌بندی آن‌ها ذیل نظام‌های حکومتی-سیاسی، نظام اجتماعی، نظام اقتصادی، نظام مذهبی و نظام علمی-آموزشی و نتیجه‌گیری کلی اختصاص دارد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، اوضاع اجتماعی، عناصر اجتماعی، ظهیرالدین فاریابی، قرن ششم.

فهرست مطالب

۱۰ فصل اول
۱۰ جامعه‌شناسی ادبیات
۱۱ جامعه‌شناسی ادبیات چیست؟
۱۵ جامعه و ادبیات
۱۶ تاریخچه ای از نظریه های جامعه شناسی
۱۹ مسیر های پژوهش در جامعه شناسی ادبیات
۲۰ فصل دوم
۲۰ زندگی ظهیرالدین فاریابی
۲۱ زندگی ظهیرالدین فاریابی
۲۶ فصل سوم
۲۶ بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان ظهیرالدین فاریابی
۲۷ نظام حکومتی - سیاسی
۲۸ مراتب حکومتی
۲۸ شاه/سلطان
۲۹ وزیر
۳۰ لوازم حکمرانی
۳۲ اصطلاحات رایج در درگاه
۳۶ اوضاع دربار
۳۸ مشاغل حکومتی
۳۹ ارکان حکومت
۳۹ درگاه و دیوان
۳۹ درگاه
۳۹ مشاغل درگاهی
۴۴ دیوان
۴۴ دیوان احتساب
۴۷ دیوان استیفا
۴۷ مشاغل دیوان استیفا
۴۷ اصطلاحات رایج در دیوان استیفا
۵۲ دیوان برید
۵۳ دیوان رسالت
۵۶ انواع نامه‌ها

۵۹	دیوان عرض
۶۲	آداب و ترفند ها
۶۷	ادوات جنگی
۷۳	پوشش های جنگ
۷۵	دیوان قضا
۷۶	نظام اجتماعی
۷۸	اقشار جامعه
۸۱	اقوام مختلف
۸۳	اعتقادات و خرافه
۸۳	اعتقاد به ظهور دجال
۸۶	رفتار های اجتماعی
۹۱	رفتار های ناهنجار
۹۳	عناصر اجتماعی
۹۴	پارچه ها و پوشاک
۹۴	انواع پارچه
۹۷	سر پوش و پای پوش و رو بند
۹۹	تن پوش ها
۱۰۳	اجزای مختلف لباس
۱۰۵	خوردنی ها
۱۱۲	باده نوشی
۱۱۲	ظروف
۱۱۴	آداب باده نوشی و اصطلاحات
۱۱۶	وسایل معیشت
۱۲۲	ظروف
۱۲۶	وسایل روشنایی
۱۲۷	گسترده های
۱۲۸	کانی ها و فلزات
۱۳۴	طب و درمان
۱۳۴	بیماری ها، علایم و اصطلاحات
۱۳۸	دارو ها و خواص آنها
۱۴۶	زیور آلات
۱۴۹	معماری و شهر سازی
۱۵۴	اماکن
۱۵۶	وسایل حمل و نقل و سفر
۱۵۷	واحدها
۱۶۰	بلاایای طبیعی

۱۶۱ حیوانات
۱۷۰ پرندگان
۱۷۴ خوراک دام و طیور
۱۷۵ اصطلاحات مربوط به حیوانات
۱۷۷ درختها
۱۷۸ گلها و گیاهان
۱۸۵ نظام فرهنگی
۱۸۶ اعیاد و ایام و مراسم آن
۱۸۸ سرگرمی‌ها تفریحات و موسیقی
۱۸۸ چوگان
۱۸۸ شطرنج
۱۹۰ نرد
۱۹۱ بازیگر
۱۹۱ جادو
۱۹۱ شعبده
۱۹۲ قمار
۱۹۲ سیق ریودن
۱۹۳ موسیقی
۱۹۳ اصطلاحات موسیقی
۱۹۶ آلات موسیقی
۱۹۸ مشاغل موسیقی
۱۹۹ شکار
۲۰۰ سیاحت
۲۰۱ امثال
۲۰۳ موجودات و حیوانات افسانه‌ای
۲۰۵ نظام اقتصادی
۲۰۶ نظام اقتصادی
۲۰۶ داد و ستد و اصطلاحات
۲۱۱ مشاغل
۲۱۴ نظام مذهبی
۲۱۵ ادیان مذاهب و فرق
۲۱۸ اماکن مذهبی
۲۱۹ آداب دینی
۲۲۱ نظام علمی - آموزشی
۲۲۳ نگاشتن و ابزار و ادوات آن
۲۲۶ علوم
۲۲۶ هندسه
۲۲۶ کلام

۲۲۶	علوم
۲۲۶	هندسه
۲۲۶	کلام
۲۲۶	منطق
۲۲۶	کیمیا
۲۲۷	علم نجوم و اصطلاحات آن
۲۳۲	نتیجه گیری
۲۶۲	منابع و مآخذ

مقدمه

رابطه جامعه‌شناسی و ادبیات

رابطه میان جامعه‌شناسی و ادبیات از منظرهای گوناگونی قابل بررسی است. جامعه‌شناسی علمی است که در مورد جوامع انسانی بحث می‌کند. شکل‌گیری رشد و تحولات و از بین رفتن و منحل شدن و تغییرات و ادغام جوامع را بررسی می‌کند و به نتایج مشخصی می‌رسد. همچنین مقوله‌ای به نام «فرهنگ» را در جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد. این بررسی برای فهم تحولات اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. چراکه رفتارهای انسانی در درک پدیده‌های اجتماعی مؤثر هستند. ادبیات هم که به عنوان بخشی از میراث فرهنگی یک جامعه محسوب می‌شود، زمینه خوبی برای تحقیق است، زیرا از سویی به طور قطع می‌تواند فرهنگ یک جامعه را منتقل کند؛ در این صورت کارکرد اولیه خود را از دست خواهد داد و به عنوان یک سند اجتماعی مورد بررسی است. یعنی در این جا محقق برای لذت ادبی متن را نمی‌خواند و فقط به عنوان میراثی کهن و ارزشمند که حاوی اطلاعات مفیدی در مورد زندگی اجتماعی

ادبیات را بررسی می‌کند

ادبیات را بررسی می‌کند



فرهنگ

افراد نوع حکومت سیاسی و رفتارهای مختلف اجتماعی و سیر تاریخی نهادهای اجتماعی موجود مثل آموزش و پرورش و خانواده و... است، با آن رفتار می‌کند. از سوی دیگر چون بخشی از ادبیات به صورت مکتوب است، خود سند محکمی برای پیگیری تحولات اجتماعی محسوب می‌شود. این استفاده از ادبیات البته در مورد رشته‌ای مثل تاریخ هم صدق می‌کند هر چند که در استنادات تاریخی منبع درجه یک حساب نمی‌شود. *۴*

همین ضرورت‌ها بود که باعث شد میان رشته‌ای به عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات» بوجود بیاید. در جامعه‌شناسی ادبیات، محقق علاوه بر این که با اصول جامعه‌شناسی آشناست، باید توانایی درک متون ادبی و تجزیه و تحلیل آن را داشته باشد. جامعه‌شناسی ادبیات در جامعه معاصر در پی درک تأثیر جامعه و مخاطب و تحولات در ایجاد آثار ادبی و تغییرات بوجود آمده در آن است. مثلاً اگر یک نوع ادبی جدید با نام «وبلاگ نویسی» بوجود می‌آید، محقق جامعه‌شناس ادبیات در پی یافتن تأثیرات جامعه بر این نوع است. از سویی به این هم توجه دارد که ادبیات چه تأثیری در جوامع دارد؛ مثلاً ممکن است یک رمان بخصوص یا یک نوع از آن یا رمان‌های یک نویسنده باعث بوجود آمدن یک حرکت اجتماعی شود که برای یافتن سرچشمه‌های آن باید به ادبیات رجوع کرد.

ولی می‌توان این سیر را بصورت تاریخی هم در نظر گرفت، یعنی با استفاده از ادبیات یک جامعه به عنوان سند، به تحولات اجتماعی، نمودهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی و عقاید و باورهای یک جامعه و از همه مهمتر سیر تاریخی آن پی برد. یعنی اجتماعیات را از ادبیات استخراج کرد و به نتیجه‌ای خاص از آن رسید.

پس با این توضیحات می‌توان اجتماعیات در ادبیات را چنین توضیح داد: هر پدیده و نهاد و رخداد اجتماعی که در ادبیات منعکس شده باشد و در تحقیقات جامعه‌شناسی اعم از تاریخی و یا در زمانی، که سودمند باشد و مورد استفاده قرار بگیرد. مثلاً عقاید و باورها و رسوم یا نوع

حکومت و شیوه های کشور دلیلی و یا امثال و حکم و... را می توان جزو اجتماعیات به حساب آورد.

دیوان های اشعار کهن ما نیز که غالباً از مدح و ستایش شاهان است با اینکه کارکرد اولیه خود را تقریباً از دست داده اند، ولی منابع دست اولی برای این گونه بررسی ها هستند و این کارکرد ثانویه آنها خود ارزش مطالعات اینگونه منابع را می نماید؛ زیرا شاعران با اینکه غالباً مادح بوده اند ولی نمی توان ادعا کرد یکی از این شعرا از جامعه پیرامون خود تاثیر نپذیرفته است. این گونه پژوهش ها در ادبیات فارسی مهجور نیستند و می توان از نمونه های آن به کتاب دکتر سهیلا صارمی در مورد عطار به نام سیمای جامعه در آثار عطار و کتاب سرکار خانم دکتر مینو فطوره چی با عنوان سیمای جامعه در آثار سنایی و پایان نامه های متعددی که با این عنوان ها نوشته شده اند، اشاره کرد.

پایان نامه حاضر با عنوان «بازتاب عناصر اجتماعی و فرهنگی» در حقیقت استخراج مظاهر و عناصر مادی و معنوی اجتماعی، اعم از مذهبی و آموزشی و تنظیم مطالب استخراجی از دیوان ظهیر الدین فاریابی از شعرای قرن ششم است. و این که تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی از دیدگاه این شاعر چگونه بازتاب یافته است. برای بررسی بهتر سیر تاریخی نهادهای اجتماعی و شیوه حکومتی و انواع رسوم و عقاید و باورها و... که مردم یک پدیده ناشناخته را چگونه توجیه می کردند و یا اینکه یک پدیده و یک رسم از چه زمانی وارد جامعه شده است یا اینکه از کی این رسم از بین رفته است و اصلاً چه تاثیری بر آن داشته است.»

سوال های تحقیق در این پایان نامه این بود که جامعه چه تاثیری بر دیوان ظهیر داشته است و کدام عامل اجتماعی نمود بیشتری در آن داشته است و این که آیا تحولات اجتماعی و سیاسی نمودی در دیوان دارند.

فرضیه این تحقیق این بود که بازتاب مسائل اجتماعی در دیوانِ ظهیر برای کسانی که در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات تحقیق می‌کنند مفید است و این که مهم‌ترین مسائل و موضوعات اجتماعی که ممکن است در آن دوره باشد چیست؟ علاوه بر اینها شناسایی عوامل محیطی و اجتماعی زندگی شعرا به درک عمیق‌تر ما از یک دوره کمک شایانی می‌کند مثلاً می‌فهمیم که چرا در یک دوره مدح پادشاهان ننگ نبوده است.

ضرورت انجام این تحقیق هم در شناسایی بهتر زمانه زندگی ظهیر برای فهم بهتر اشعار او و اشارات دیوان اوست. و این که از گنجینه آثار ادبی خودمان برای شناخت گذشته خودمان استفاده کنیم. و هدف از این تحقیق آشنایی بیشتر پژوهشگران و محققان در زمینه اجتماع و فرهنگ با اوضاع یک دوره خاص و بخصوص ظهیر فاریابی.

روش انجام تحقیق

- ۱- شناسایی منابع مرتبط با کار و تهیه فهرست منابع و مأخذ.
- ۲- مطالعه در کارهای مشابه گذشته و منابع جامعه‌شناسی.
- ۳- مشخص کردن روش تحقیق.
- ۴- مطالعه دیوان و نکته برداری.
- ۵- دسته بندی مطالب مشابه.
- ۶- یافتن برخی معانی واژه‌های دشوار و برخی آداب و رسوم مخصوص از فرهنگ‌ها و منابع مرتبط.
- ۷- تنظیم نهایی ابواب و فصل‌ها.
- ۸- جمع بندی مطالب و نتیجه گیری.

علائم و نشانه ها

برخی از علائم و نشانه ها در این تحقیق به کار رفته اند که برای رعایت اختصار و کم حجم

تر شدن این پژوهش بوده است که به معرفی آن ها می پردازیم:

← رجوع کنید به موردی در همین پایان نامه.

◀ : در مواردی که یک مورد با دو عنوان آمده است یکی از آنها ذیل عنوان نخست با این

علامت مشخص شده است.

/: برای جدا کردن شماره صفحه دیوان از شماره سطر. شماره سمت راست شماره صفحه و

شماره سمت چپ خط، شماره سطر است.

فصل اول

جامعه‌شناسی ادبیات

جامعه‌شناسی ادبیات چیست؟

برای تعریف کردن جامعه‌شناسی ادبیات و هنر ابتدا لازم است که نوع نگاه افراد جامعه و گروه خوانندگان از این حوزه را تغییر بدهیم زیرا مردم ممکن است از این حوزه از جامعه‌شناسی به علت ارتباطات بسیار زیادی که با هنر و ادبیات دارد و از سویی مردم هم ارتباط بیشتری با هنر و ادبیات دارند بنابر پیشینه ذهنی خود و همچنین سطوح متفاوت شناخت و درک اثر هنری، از این عنوان (جامعه‌شناسی ادبیات) برداشت متفاوتی داشته باشند. افراد به خاطر اینکه با هنر ارتباط مستقیم تری دارند تا جامعه‌شناسی و این که اصلا این رشته دوران طفولیت خود را سپری می‌کند و هنوز اوان پیدایی آن است و به همین دلیل کمتر شناخته شده است و مردم بیشتر از آن به عنوان موضوعی هنری نام می‌برند در نتیجه از این رشته انتظار هنرمندانه بودن را دارند در حالی که «باید توجه داشت که جامعه‌شناسی هنر یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که ارتباطش با هنر به همان شکلی است که با سایر حوزه‌های معرفت مثل علم، مذهب و اخلاق می‌باشد» (راوودراد، ۱۳۸۲: ۶)

جامعه‌شناسی ادبیات زیر شاخه رشته بزرگ‌تری به نام «جامعه‌شناسی هنر» است که در پی «درک ویژگی‌های جامعه و نقش آن در پیدایی سبک‌ها و موضوع‌های هنری در هر دوره، شناخت عوامل و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن و چگونگی تأثیرگذاری آنها بر هنر، روند شکل‌گیری و

حرکت هنر در هر جامعه، و بالاخره کشف و یافتن رد پای عوامل اجتماعی در هنر و شناخت بهتری از جامعه معاصر آن می‌باشد.» (راودراد، ۱۳۸۲: ۶)

شاید در نظری کلی این تعریف از جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، جامع و مانع به نظر برسد، اما چنین نیست و تعاریف تخصصی‌تری توسط نظریه‌پردازان مهم و مطرح این علم مطرح شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

در ابتدا برای تعریف تخصصی‌تری از جامعه‌شناسی ادبیات، می‌توان اینگونه گفت که این رشته نمایانگر این حقیقت است که ادبیات همانند سایر نهادهای مختلف اجتماعی همچون نهاد آموزشی و یا مهم‌تر از آن، خانواده و یا هر نهاد اجتماعی دیگر یک نهاد اجتماعی محسوب می‌شود، چرا که ریشه در زندگی اجتماعی بشر دارد. پس «می‌توان جامعه‌شناسی ادبیات را علم مطالعه و شناخت محتوای آثار ادبی و خاستگاه روانی و اجتماعی پدیدآورندگان آنها و نیز تأثیر پابرجایی که این آثار در اجتماع می‌گذارند، تعریف کرد.» (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۶)

پس بیجا نیست اگر تاکید کنیم که این دانش هنوز در اوان پیدایی خود به سر می‌برد و نظام کلی خود را نیافته است و تعریف جامع و مانع از آن بسیار دشوار است و ممکن است که به تعدد تعاریف در این حوزه گرفتار شویم، چرا که هنوز روش‌مندی اصولی خود را پیدا نکرده است. به همین دلیل است که لوسین گلدمن در مورد آینده این رشته نو پا می‌گوید: «پیشرفت‌های به راستی بنیادی تنها روزی به دست خواهد آمد که جامعه‌شناسی ادبیات بدل به میدانی از پژوهش‌های همگانی شود و در شمار بسنده‌ای از دانشگاه‌های جهان دنبال شود.» (همان: ۵۵-۵۶)

اما نباید زیاد هم بدبین بود چرا که «در نقد ادبی جدید بررسی خاستگاه اجتماعی مصنف و تاثیراتی که عوامل اجتماعی در آثار او داشته است، حداقل به اندازه مطالعات روانشناختی درباره حالت ذهنی او (نویسنده) رواج یافته و این دو غالباً با یکدیگر همراه بوده است.» (دیچیز، ۱۳۷۹: ۵۴۳) و همین عامل نشان

دهنده این نکته است که دیگر این رشته در محافل علمی و دانشگاهی دیگر جای خود را یافته است و مباحث پیرامون آن، رو به فزونی می‌رود. «اکنون دیگر زمینه‌های رشد مشخص شده، نظریه‌ها شکل گرفته، روش‌ها تدوین شده و تحقیقات سازمان پذیرفته‌اند، نتایج کارها به همین زودی می‌درخشند...» (اسکار پیت،

۱۳۸۶: ۳)

عده‌ای بین جامعه‌شناسی ادبی و جامعه‌شناسی ادبیات فرق نهاده‌اند و تعاریف فوق را به عنوان جامعه‌شناسی ادبی پذیرفته‌اند و نیز افزوده‌اند: «جامعه‌شناسی ادبی یکی از روش‌های علوم ادبیات است، یعنی روشی انتقالی که به متن (از واج شناسی تا معنا شناسی) و به معنای آن توجه

دارد.» (لنار، ۱۳۷۷: ۸۱)

و عده‌ای هم جامعه‌شناسی ادبیات را اینگونه تعریف می‌کنند: «مطالعه، تولید و توزیع و مصرف ادبیات در مقیاس جامعه است، همانگونه که جامعه‌شناسی صنعتی مطالعه این سه بخش کار صنعتی است.»

(همان: ۵)

برخی نیز میان جامعه‌شناسی ادبیات و جامعه‌شناسی در ادبیات تفاوت قائل می‌شوند و معتقدند نباید این دو را به جای یکدیگر به کار برد، چرا که هر یک تعاریف مخصوص به خود را دارند. «جامعه‌شناسی ادبیات برای مطالعات کمی و آماری و جامعه‌شناسی در ادبیات برای مطالعات محتوایی به کار می‌رود.» (وحید، ۱۳۸۷: ۲۹) و معتقدند جامعه‌شناسی در ادبیات، «جست‌وجوی بازتاب و ویژگی‌های اجتماعی هر دوره تاریخی در آثار ادبی است که در آن دوره پدید آمده است. بدیهی است که برای توفیق در این کار، باید خالقان آثار به آنچه در پیرامونشان می‌گذرد، توجه کافی داشته باشند.» (همان: ۴۶)

این تعدد تعاریف، از طرفی ناشی از نظریه‌های مختلف و متنوع در این موضوع و از طرف دیگر، به دلیل نوپا بودن این علم است که هنوز اجماعی کلی درباره آن صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد تمام این

تعاریف و جزئی‌نگری‌ها، خود، زیرمجموعه «جامعه‌شناسی ادبیات» به عنوان علمی واحد و تعریف شده است.

ولی با توجه به تعاریف فوق جامعه‌شناسی ادبیات را در گسترده‌ترین معنای آن میتوان به این مفهوم تعبیر کرد: «در آفرینش هنری یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی جمعی است که هنرمند با شدتی بیش از اکثر افراد در تدوین آن شرکت می‌ورزد.» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۴) و این نکته همان چیزی است که جامعه‌شناسی ادبیات را از همه انواع نقدهای دیگر چون نقد روانشناختی و زیبایی‌شناسی جدا می‌سازد چون که تعریف فوق بر شرکت آگاهی جمعی در تدوین اثر تاکید می‌کند و این آگاهی جمعی را می‌توان فرهنگ مشترک بین افراد هم دانست که شاکله اصلی یک اجتماع است. و فقط از نویسنده یا هنرمند به عنوان کسی که بیشترین فعالیت را در خلق اثر داشته است نام می‌برد. «البته قریحه شاعر و نویسنده و ذوق و تمایلات فردی و شخصی او قوی‌ترین عامل در ایجاد آثار ادبی محسوب می‌گردد اما در هر عصر شاعر و نویسنده با خوانندگان و خریداران خاصی سر و کار پیدا می‌کند و گاه اتفاق می‌افتد که برای ارضای پسندها و سلیقه‌های مردم ناچار شود ذوق و پسند خود را به کلی به کناری نهد و از تمایلات عامه پیروی کند.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۲) شاید به نظر برسد که آگاهی جمعی در خلق اثر با این که سلیقه مردم در خلق اثر تاثیر داشته باشد کاملاً متفاوت باشد شاید از جنبه‌ای این گونه باشد ولی وقتی ذوق و پسند مردم یک جامعه منحط می‌شود و سقوط می‌کند آیا نویسنده و هنرمند به عنوان یک فرد از همان جامعه به تدریج دچار این انحطاط نخواهد شد؟ و یا بالعکس وقتی ذوق و سلیقه مردم به کمال می‌رسد و هر چیز دم‌دستی را به عنوان هنر تلقی نمی‌کنند هنرمند به عنوان یک فرد از این قضیه و حکم برکنار می‌ماند؟

حال با تعاریف مختصری که از جامعه‌شناسی ادبیات ذکر شد، تلاش بر آن است که ارتباط میان ادبیات و

جامعه را بررسی کنیم تا از این رهگذر، تا حدی به ارتباط میان این رویکرد میان رشته‌ای دست یابیم.

جامعه و ادبیات

رابطه بین جامعه و ادبیات امری تقریباً روشن به نظر می‌رسد. و در هر جامعه ای ادبیات خاص آن جامعه به وجود می‌آید و چون برخاسته از آن جامعه است روحیه و فرهنگ و احوال همان جامعه در آن منعکس شده خواهد شد. و قطعاً ادبیات فقط در یک زمینه اجتماعی به عنوان بخشی از فرهنگ یک جامعه و محیط اجتماعی خاص ظهور می‌کند و ادبیات و جامعه ای که ادبیات در آن ظهور می‌کند رابطه استوار و مستقیمی دارند. «حتی مبهم‌ترین تمثیل‌ها، خیالی‌ترین شبانیه‌ها، و قبیح‌ترین مضحکه‌ها درباره آن‌ها تحقیق شود، بیانگر جنبه‌هایی از دوره یا جامعه خاص است.» (ولک، ۱۳۷۳: ۱۱۳) و چون این اثر بر آمده از متن یک اجتماعی خاص است پس جنبه‌هایی از همان دوره را به ما خواهد نمود.

به تعبیری دیگر، مؤلف در هنگام تولید اثر خود، به دلیل قرار گرفتن در محیط اجتماعی خاص، از آن محیط تأثیر می‌پذیرد و بازتاب این تأثیر، در اثر مؤلف بازتاب می‌یابد. «منظور از محیط اجتماعی، زمینه اجتماعی و خود جامعه است با همه ابعاد گوناگونش... به بیان دیگر، محیط اجتماعی به کلیه شرایط، اوضاع، مقتضیات چارچوب اجتماعی که فرد یا گروه را در میان گرفته، می‌پرورد، اطلاق می‌شود. (تزابی، ۱۳۷۶: ۱۵)

تاریخچه ای از نظریه های جامعه شناسی

برای فهم بهتر نظریه های جامعه شناسی ادبیات در ابتدا باید آگاهی کلی از سیر نظریه های جامعه شناسی داشته باشیم. در این بخش کوشیده‌ام این سیر نظریه های جامعه شناسی ادبیات در غرب را به طور کوتاه معرفی کنم.

در آغاز قرن نوزدهم مادام «دو استال» کتابی با عنوان «ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی» منتشر کرد. وسعی او بر این بود که تاثیر دین و آداب و قوانین را بر ادبیات و بالعکس مشخص کند. ولی گویا «در زمینه ادعایی که نویسنده درباره تاثیر دین و آداب و قوانین بر ادبیات دارد چندان موفق و کارآمد نیست.» (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۴۵)

پس از مادام دو استال «ایپولیت تن» ظهور می‌کند که برخی او را بنیانگذار علم جامعه شناسی ادبیات می‌دانند. نظریه مشهور تن بر پایه سه مفهوم نژاد، محیط و زمان استوار است. یعنی به خاطر این که هر پدیده اجتماعی تحت تاثیر این سه عامل قرار دارد و ادبیات نیز جزئی از جامعه محسوب می‌شود پس تحت تاثیر این سه عامل شکل می‌گیرد. ولی این نظریه وجود فرد را در خلق آثار ادبی یکسره به دست فراموشی می‌سپارد و چندان مهم نمی‌شمارد «باری اعتراضی که بر روش نقد اجتماعی علی‌الخصوص روش تن، وارد است همین نکته است که وجود فرد بکلی فراموش شده است در حالیکه سهم ابتکار فردی در آثار ادبی اگر از سهم عوامل اجتماعی بیشتر نباشد کمتر نیست» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۸)

پس از آن در قرن بیستم که دوره شکوفایی مارکسیسم است این نحله فکری به نوعی در نظریه جامعه شناسی ادبیات شرکت می‌جوید.

نگاه مارکسیست ها به ادبیات بیشتر بر روی جنبه ابزاری بودن ادبیات متمرکز است و ادبیات را به عنوان یکی از انواع سلاح متعدد طبقه کارگر می‌دانند. و بر نقش اثر ادبی در نمایش مبارزات طبقاتی و نشان دادن